امام حسین علیه السلام

در آیینه شعر و ادب



مهدی مهما ندار


بسم الله الرحمن الرحیم

امام حسین علیه السلام در آیینه شعر و ادب

نویسنده:

مهدی مهماندار

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام حسین(ع)در آیینه شعر و ادب

مشخصات کتاب

پدیدآورندگان : نویسنده مهدی مهماندار

ناشر : نویسنده مهدی مهماندار

عنوان اصلی امام حسین (ع) در آیینه شعر و ادب

صفحه : ۴۹-۶۵

جلد : ۱۲

زبان : فارسی

تاریخ : ۱۳۸۱ شمسی

موضوع : امام حسین (ع) و عاشورا در شعر و ادب فارسی

مقدمه

کربلاـ عصاره بهشت است و عاشورا آبروی عاشق اگر کربلا نبود، هیچ گلی از زمین نمی رویید و مشام هیچ انسان آزاده ای حقیقت را استشمام نمی کرد. اگر کربلا نبود و عاشورا نبود، امروز عشق بر سر هر کوی و برزن بیگاری می کرد. حسین آمد و عشق را آبرو بخشید وعباس با دستان بریده و لبان خشکیده و با مَشکی زخمی عشق را سیراب کرد تاحرف و حدیثی باقی نماند و زینب عشق را تداوم بخشید و آن را در گستره زمین و آسمان منتشر کرد تا از آن پس تمام عاشقان وام دار حماسه عاشورا باشند. کربلا قبله الهام عاشقان شد و عاشورا میعادگاهی برای آنان که می خواهند نماز عشق را در محرابی به بلندای تاریخ به پا دارند. از آن روز زندگی معنا یافت که حسین (ع) بر کتیبه دل ها نقش بست و عاشورا این راز نهفته مضمون تمام ناگفته ها شد.این مقال مروری بر اشعار شعرا از گذشته تا عصر حاضر در مورد آقا ابا عبدالله الحسین (ع) عاشورا،کربلا و.... می باشد. هر چند که از پیش اذعان می داریم که نتوانسته ایم حق مطلب را آن طور که شایسته و بایسته آن است ادا نماییم اما به قول مولانا:آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

شناخت مرثیه

مرثیه از نظر ماهیّت جزو ادب غنایی است مرثیه در ادب فارسی سابقه کهن دارد.کهن ترین مرثیه را می توان در دیوان رودکی جست و جو کرد.مرثیه یا در یاد مرگ پادشاه یا وزیر، یا یکی از رجال علم و ادب است مانند مرثیه فرخی در مرگ محمود غزنوی یا مرثیه رودکی در مرگ شهید بلخی و یا درباره فوت یکی

از خویشان است مانند مرآثی فردوسی خاقانی و حافظ در مرگ پسران خود، و یا مرثیه درباره یکی از ائمه دین است مانند مرآثی محتشم کاشانی که از همه معروف تر است و این نوع آخر بیشتر در میان مردم رواج دارد و معمولاً ـ بیشترین مرآثی راجع به سالار شهیدان حسین بن علی (ع) می باشد.شمول ابعاد و جامعیت حادثه عاشورا موجب گردید که شعرا هریک از دیدگاهی خاص به آن بنگرند: گروهی از صوفیه و عرفا جنبه عرفانی آن را به نظم کشیده و بعضی دیگر جنبه های سیاسی و اجتماعی و اخلاقی این واقعه عظیم را به نظم کشیده اند ولیکن اکثر شعرا به ویژه در قرون اخیر بُعد «بکایی آن را مطمح نظر قرار داده اند.

رسالت و تعهد شاعر

دشمن حکّام جور و خلفای ستمگر در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیعه دقیقاً بیانگر رسالت و تعهد شعرا به واقعه عاشورا و بیان ظلمی است که به اهل بیت و شیعه گردیده دشمنی ِسران کفر با شاعران و مرثیه سرایان بی جهت نبوده است زیرا آنها با مرآثی جانگداز خود توانستند آتش عشق توده های مسلمان به اهل بیت را پر فروغ نگه داشته و رسالت امام حسین (ع) را به زیباترین شکل ممکن در قالب نظم و اشعاری دلنواز به گوش جهانیان برسانند. بزرگانی هم چون فرزدق کمیت و دعبل و ده ها گوینده و شاعر مبارز دیگر با قبول خطرها و دشواری های راه به خوبی از عهده رسالت دشوار خود برآمده و توانستند به احیای فرهنگ عاشورا کمک شایانی بنمایند.«ابن مسکیت از دوستداران اهل بیت بود. او معلمی ِدو پسر متوکل را بر عهده داشت هنگامی که خلیفه به شیعه

بودن او پی برد، کینه او را به دل گرفت و روزی از اوپرسید: فرزندان من نزد تو گرامی ترند یا حسن و حسین ..؟ ابن مسکیت نگاهی به چهره متوکل کرد و گفت به خدا قسم حسن (ع) و حسین (ع) با تمام زیبایی های دنیا برابرند.تو چه طور جرأت می کنی آنها را با فرزندان خود قیاس کنی ..؟ متوکل از شدت خشم و غضب دستور داد که زبان او را از حلقومش در آوردند.

شروع مرثیه هایی عاشورایی

اشاره

تاریخ آغاز سرودن شعر عاشورایی تقریباً روشن است می توان روز شهادت حسین (ع) و یارانش را تاریخ شروع مرثیه عاشورایی نامید، زیرا چنان که در متون تاریخی آمده است نخستین مرثیه سرایان اهل بیت آن حضرت بودند. اما حسین (ع) هنگام آخرین وداع با اهل بیت خود خطاب به دخترش «سکینه ابیاتی می فرماید که ازجان سوزترین مرآثی به شمار می رود:لا تحرّمی قلبی بدمعک حسرهً مادام منّی الروح فی جثمانی تا جان بدن دارم دلم را از اشک حسرت بسوزان فاذا قتلت فانت اولی بالبکاء یا خیر النسّوان ای بهترین زنان هنگامی که کشته گردم تو برای گریستن من سزاوارترین هستی سیطول بعدی یا سکینه فاعلمی منک البکا اذا الحمام دهان به زودی بر مصیبت مرگ من گریه های طولانی در پیش داری «ام کلثوم دختر بزرگوار امیر مومنان و بانوی بزرگ و اصیل که بسیار «بلیغ السان بود، در مرثیه ای چنین می فرماید:قتلتم اخی ظلماً فویل لامّکم ستجرون ناراً حرّها بتوقدوای بر مادران شما که برادرم را به ستم شهید کردید، به زودی آتشی سوزان پاداشتان خواهد بود.سفکتم دماء حرم الله سفکها و حرّمها القرآن ثمّ محمدخون هایی را که ریختید که خدا و قرآن و

محمد ریختن آنها را حرام کرده اند.

حسین و عاشورا در ادب پارسی

علی رغم شعر عرب که گسترده ترین بخش آن را مرآثی عاشورایی تشکیل می دهند، سرایندگان عرب در این زمینه آثار جاودانی از خود به یادگار گذاشته اند،متأسفانه سرایندگان فارسی نه از جهت کیفیّت و نه از جهت کمیّت هر گز به همتاهای عرب خود نرسیده اند. شعرایی که با دریوزگی برای دریافت صله و یا طلب کنیزکی و یا حتی سبویی شراب پادشاه و یا امیر نالایقی را مدح می کردند و فضایل دروغینی را به وی نسبت می دادند؛ گویی از نهضت امام حسین (ع) و فرهنگ عاشورا به کلی بی خبرند. گرچه شرایط حاکم بر محیط و نیز استیلای خلفا و امرای جور و دور از مذهب و دشمنی دیرینه با شیعه و اهل بیت در این قصور و کم توجهی بی تأثیر نبوده لیکن چنین عذری برای خیل شاعران که در واقع از افکار و احساسات لطیف تری نسبت به توده مردم زمان خود داشتند، زیاد منطقی به نظر نمی رسد. البته این سخنان به این معنا نیست که ما درزمینه عاشورا و قیام امام حسین در ادب پارسی چیزی نداریم خوش بختانه غنای ادب پارسی آن چنان است که ما در هر زمینه ای که بخواهیم می توانیم از این بوستان معرفت به خوشه چینی بپردازیم ولی هدف از بیان این موضوع این بود که با توجه به اهمیت واقعه عاشورا و قیام سالار شهیدان و مظلومیّت ایشان و اهل بیت گرامی شان باید بیش ازاین به آن پرداخته می شد.

مروری بر چند مرثیه از شعرای عرب

«عقبه بن عمرو السهمی نخستین کسی است که در رثای عاشوراییان شعر سرود. او در اواخر قرن اول به کربلا رفت نزدیک قبر آن حضرت که رسید این مرثیه را گفت

مررت علی بترالحسین بکربلا ـ ففامن علیه من دموعی عریزهادر کربلا بر قبر حسین گذشتم و اشک فراوانی از دیدگانم فرو ریخت و لا ـ برج الونا وزّوار قبره یقوم علیهم مشکها و عبیرهاآنها که رایحه مشک و عبیر بر شامه زائرانش همیشه می وزد.«دعبل خزاعی در قصیده ای طولانی به ذکر فضایل و خصایل رسول خدا و اهل بیت او می پردازد. در فرازی از این مرثیه زیبا چنین می خوانیم أفاطم لو خلت الحسین مجّدلا و قدمات عطشا به شط ّفرات ای فاطمه اگر می دانستی حسین با لب تشنه در کنار فرات سر بر خاک نهاد.اذا للطمت الغّد فاطم عند اجریت دمع العین فی الوجنات جز لطمه به صورت نمی زدی و غیر اشک بر گونه نمی ریختی

مروری بر تک بیت هایی زیبا از شعر پارسی در مورد امام حسین و عاشورا

قیام جوانمردانه سید جوانان اهل بهشت و یاران صمیمی آن حضرت در تاریخ ضرب المثل شده و هم چون مثل سایر» مورد استفاده و بهره برداری شاعران قرار گرفته است در ادبیات شیرین فارسی اگر چه بسیاری از شاعران مستقلاً شعری مستقل در این زمینه ندارند، ولی به مناسبت های مختلف حتی در اشعار توصیفی خود به آن اشاره نموده اند که در ذیل به ذکر چند نمونه برجسته آن می پردازیم لاله غرقه به خونم همچو حسین سوسن زنده نفس همچو حسن والله که ماتم شرف الملک بوعلی ازماتم علی حسین هست یادگارسید حسن غزنوی (۵۹۲ ۵۳۶ ه)به کربلا چو دهان حسین از او بچشید همی دهند زبان هایزید را دشنام هجران تو دشت کربلا بود زو حصه من همه بلا شدادیب ترمذی ۵۷۳ ه)در خون من مشو که به خون شسته ام دو رخ بی تو، به حق خون شهیدان کربلارشید وطواط (۵۶۴ه)به من آن کربت و بلا آمد که

نیاورد کربلا به حسینی انوری (۵۸۳ ه)چندن کز دو دیده من رفت جوی اشک هر گز نرفت خون شهیدان کربلامسعود سعد سلمان (۵۱۵ ۴۳۸ ه)کردم ز دیده پای سوی مرقد حسین هست این سفر به مذهب عشاق فرض عین جامی ۸۹۸ ۸۱۷ ه)به سر بیست رفتن در طریق کربلای دل که تا یابی طواف پادشاه دین و دنیا راضمیری اصفهانی (۹۷۳ه)بس گوهر نهفته که غواص خاطرم داد به نذر مدح شاه کربلا گره کلیم همدانی (۱۰۶۱ ه)بر سر نیزه کرده ای سر گلدسته رسول ای روزگار خوش گلی آورده ای به بارصابر زواره ای (قرن ۱۱)خاکستر وجود مرا گردهی به باد از اشتیاق رو به سوی کربلا آوردزمانی یزدی (قرن ۱۱)به خاک کربلا زائر بیفشان دانه اشکی که هر کس بهر خود روز قیامت کشته ای داردزائر همدانی (قرن ۱۱)کی گهر دارد بها عباس در بازار حشر از زمین کربلا یک سبحه وارم آرزوست عباسقلی خان شاملو(قرن ۱۱)

امام حسین و عاشورا در آیینه شعر و ادب پارسی

اشاره

در این قسمت به مبحث اصلی که ذکر اشعار و ابیات و مرآثی شاعران نام دار ادب پارسی در مورد امام حسین (ع) و عاشورا است می پردازیم اگر چه در بعضی قسمت ها به خاطر طولانی نشدن کلام به حذف و اختصار ابیات پرداخته شده ولی سعی شده که حذف ها به شکلی انجام شود که حتی الامکان به بدنه اصلی شعر و مضمون آن و نهایتاً به زیبایی کلام صدمه و خدشه ای وارد نگردد. در ضمن انتخاب و تنظیم اشعار صرفاً براساس تقدیم زمانی و حیات شاعر می باشد. گفتنی است در مواردی به ذکر تاریخ مختصری از شرح حال شاعر اشاره شده و در بعضی موارد به علّت اختصار کلام تنها به ذکر نام شاعر

قناعت شده است

ابوالحسن کسایی مروزی

به سال ۳۴۱ در مرو متولد شد. وی ابتدا مدّاح سامانیان بود، ولی بعدها دست ازمداحی کشید و به سرودن اشعاری در پند واندرز و مدح و رثای اهل بیت پرداخت اویکی از بزرگ ترین و در واقع نخستین شاعر پارسی زبان است که «مرثیه عاشورایی سروده است و با توجه به شواهد قطعی تاریخی و آثار به جا مانده از وی تردیدی در تشیّع او وجود ندارد. نمونه ای از مرثیه ایشان در ذیل بیان می شود:تخم جهان بی بربیزارم از پیاله و ز ارغوان و لاله ما و خروج وناله کنجی گرفته مأوادست از جهان بشویم غر و شرف بجویم مدح و غزل نگویم مقتل کنم تقاضامیراث مصطفی را فرزند مرتضی را مقتول کربلا را تازه کنم تولاّآن میر سر بریده در خاک و خون تپیده از آب ناچشیده گشته اسیر غوغاتنهاو دل شکسته بر خویشتن گرسنه از خانمان گشته وز اهل و بیت و آباصفین و بدر و خندق حجّت گرفته با حق خیل یزید احمق یک یک به خونش کوشاآن پنج ماهه کودک باری چه کرد ویحک کز پای تابه تارک مجروح شد مفاجاپاکیزه آل یاسین گمراه و زار و مسکین و آن کینه های پیشین آن روز گشته پیدابی چاره شهر بانو مصدوم کرده زانو بی چاره گشته لولو بر درد ناشکیباآن زینب غریوان اندر میان دیوان آل زیاد ومروان نظاره گشته عمداتخم جهان بی بر، این دست و زین فزون تر کهتر عدوی مهتر نادان عدوی دانابر مقتل ای کسایی برهان همی نمایی گر هم بر این بیایی بی خار گشت خرماتا زنده ای چنین کن دل های ما حزین کن پیوسته آفرین کن بر

اهل بیت زهرا

امیر معزی

از شاعران قرن پنجم و اوایل قرن ششم بود. او مدتی را به مدح امرای سلجوقی گذراند و سپس تا پایان عمردر خراسان در خدمت سلطان سنجر بود و وفات او به سال ۵۲۱ واقع شده است وی در قصیده سرایی استاد بود اینک به ذکر نمونه هایی از اشعار عاشورایی وی اشاره می گردد:آن که چون آمد به دستش ذوالفقار جان شکار گشت معجز در کَفَش چون در کف موسی عصاآمدآواز منادی «لا فتی الاّ علی وانگهی «لا سیف الا ذوالفقار» آمد نداو آن دو فرزند عزیزش چون حسین و چون حسن هر دو اندر کعبه جود و کرم رکن وصف آن یکی را جان ز تن گشته جدا اندر حجاز و آن دگر را سر جدا گشته زتن در کربلاـآن که دادی بوسه بر روی و قفای او رسول گرد بر رویش نشست و شمر ملعون در قفاو آن که حیدر گیسوان او نهادی بر دو چشم چشم او در آب غرق و گیسوان اندر دماروز محشر داد بستاند خدا از قاتلانش تو بده داد و مباش از حسب مقتولان جدا

سنایی

حکیم سنایی غزنوی از شاعران توانای ایرانی است که مُبدع بیان مسائل فلسفی و اخلاقی در شعر است او پس از مدح بهرام شاه غزنوی به عرفان روی آورد و از جهان وجهانیان دست شست چنان که بهرام شاه می خواست خواهر خود را به ازدواج با او ترغیب کند، ولی او نپذیرفت سنایی تا پایان عمر پس از بازگشت از سفر حج در غزنین زندگی را در عزلت و گوشه نشینی گذراند. از آثار او می توان به حدیقه الحقیقه طریق التحقیق کارنامه بلخ و... اشاره کرد. مرثیه ذیل

از کتاب حدیقه الحقیقه انتخاب شده است حَبَّذا کربلا و آن تعظیم کزبهشت آورد به خلق نسیم و آن تن سر بریده در گل و خاک و آن غریوان به تیغ دل ها چاک و آن گزین همه جهان کشته در گل خون تنش بیاغشته و آن چنان ظالمان بدکردار کرده بر ظلم خویشتن اصرارحرمت دین و خاندان رسول جمله بر داشته زجهل و مقتول تیغ ها لعل گون ز خون حسین چه بود در جهان بَتَر زین شین کرده آل زیاد و شمر لعین ابتدای چنین بته در دین حسن از زخم کرده سینه کبود زینب از دیده ها برانده دو رودمن نیم دوستدار شمر و یزید زان قبیله منم به عهد بعیدهر که راضی شود به بد کردن لعنتش طوق باشد در گردن داستان پسر هند مگر نشینیدی که از او وسه کَس او به پیمبر چه رسیدپدر او دُر دندان پیمبر بشکست مادر او جگر عمر پیمبر بمکیداو به ناحق حق داماد پیمبر بستد پسر او سر فرزند پیمبر ببریدبدر چنین قوم تو لعنت نکنی شرمت باد لعن الله یزیداً و علی آل یزید

قوامی رازی

این شاعر که از شعرای معروف شیعی قرن ششم می باشد، مدّت ها، در خدمت رجال و خاندان های بزرگ شیعی در عراق به سر می برده است علاوه بر مناقب و مرآثی خاندان رسالت از وی قصایدی نیز در زهد و وعظ باقی مانده است در ذیل قصیده ای از ایشان در رثای شهدای کربلا بیان می گردد که البته این قصیده به علّت این که بسیار مطّول و مفصل بود، به ذکر ابیاتی چند از آن می پردازیم و علاقه مندان را به خواندن کامل این قصیده در دیوان شاعر دعوت می کنیم روز دهم

ز ماه محرم به کربلا۔ ظلمی صریح رفت بر اولاد مصطفی هر گز مباد روز چو عاشور در جهان کان روز بود وز قتل شهیدان کربلا۔آن تشنگان آل محمد اسیر وار بر دشت کربلا۔ به بلا۔ گشته مبتلاعریان بماند پردگیان سرای وحی مقتول گشته شاه سراپرده عباهر گه که یادم آید از آن سید شهید عیشم شود منقص وعمرم شود هباای بس بلا و رنج که بر جان او رسید از جور و ظلم امّت بی رحم و بی حیادر آرزوی آب چو اویی بداد جان لعنت بر این جهان به نفرین بی وفابگرفته روی آب سپاه یزید شوم بی آب چشم و سینه پر از آتش هوا

عطار نیشابوری

شاعر معروف قرن ششم و هفتم هجری بود و از سرمایه های فرهنگی و ادبی این مرز و بوم است او قسمت عمده ای از عمر خویش را به رسم سالکان طریقت در سفر گذراند. از آثار برجسته وی می توان به منطق الطیر، اسرارنامه الهی نامه مصیبت نامه تذکره الاولیاء و....اشاره کرد.کیست حق را پیمبر را ولی آن حسن سیرت حسین بن علی آفتاب آسمان معرفت آن محمد صورت و حیدر صفت نه فلک را تا ابد مخدوم بود زآن که او سلطان ره معصوم بودتشنه او را دشنه آلوده به خون نیم کشته گشته سرگشته به خون آن چنان سر را که بُرّد بی دریغ کافتاب از درو آن شد زیر میغ گیسوی او با به خون آلوده شد خون گردون از شفق پالوده شدکی کنند این کافران با این همه کو محمد؟ کو علی کو فاطمه صد هزاران جان پاک انبیاء صف زده بینم به خاک کربلادر تموز کربلا تشنه جگر سر برید

زشتی چه باشد زین بَترا جگر گوشه پیمبر این کنند وانگهی دعوی داد و دین کنندکفرم آید هرکه این را دین شمرد قطع باد از بن زفانی کاین شمردکاشکی ای من سگ هندوی او کمترین سگ بودمی در کوی او«منتخب از مصیبت نامه

کمال الدین اصفهانی

کمال الدین اصفهانی معروف به «خلاق المعانی می باشد؛ وی در آوردن معانی دقیق و باریک اندیشی مهارت خاصی داشت و در التزامات صعب و تقید و آوردن ید طولا یی داشت اینک در ذیل به چند بیت از نامبرده در مورد امام حسین (ع) می پردازیم چون محرم رسید و عاشورا خنده بر لب حرام باید کردوز پی ماتم حسین علی گریه از ابر وام باید کردلعنت دشمنانش باید گفت دوستداری تمام باید کرد

سیف فرقانی

شاعر و عارفی گوشه گیر بود، پس ازمدّتی از تبریز به آسیای صغیر رفته و در شهری به نام «آق سرا» در خانقاهی کوچک در گذشت و همان جا مدفون گردید. او همواره ازحکّام و ستمگران روزگار خویش کناره گیری کرده و ستم آنان را نکوهش می کرد. ابیاتی چند از وی در خصوص فاجعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) را با هم می خوانیم ای قوم در این عزا بگریید بر کشته کربلا ـ بگرییدبا این دل مرده خنده تا چند امروز در این عزا بگرییداز خون جگر سرشک سازید بهر دل مصطفی بگرییدوز معدن دل به اشک چون دُر بر گوهر مرتضی بگرییدبا نعمت عافیت به صد چشم بر اهل چنین بلا بگرییددل خسته ماتم حسینید ای خسته دلان هلا بگرییدبر جور و جفای آن جماعت یک دم ز سر صفا بگرییددر گریه به صد زبان بنالید در پرده به صد نوا بگرییدو ز بهر نزول غیث رحمت چون ابر، گه دعا بگریید

خواجه کرمانی

آن گوشوار عرش که گردون جوهری بارانی پراز گهرش بود شتری دیدش ملک بخش جهاندار خرقه پوش خسرو نشان صوفی و سلطان حیدری در صورتش معیّن و در سیرتش مبیّن آیات ایزدی و صفات پیمبری در بحر شرع لولوی شهوار و همچو بحر در خویش غرقه گشته ز پاکیزه گوهری اقرار کرده حر یزیدش به بندگی خط باز داده روح امینش به چاکری لب خشک و دیده تر شده از تشنگی و آنگه طفیل خاک درش خشکی وتری از کربلا بدو همه کرب و بلا رسید آری همین نتیجه دهد ملک پروری گلگون هنوز چنگ پلنگان کوهسار از خون ِ شاه ِ شهیدان ِ روزگار

سلمان ساوجی

خاک خون آغشته لب تشنگان کربلاست آخر ای چشم جهان بین اشک خونینت کجاست جز به چشم و چهره مسیر خاک آن ره کانهمه نرگس از چشم و گل و رخسار آل مصطفاست ای دل بی صبر من آرام مگیر این جا دمی کاندرین جا منزل آرام جان مرتضاست روضه پاک حسین است این که مشکین زلف حور خویشتن را بسته بر جاروب این جنت سراست مهبط انوار عزت مظهر اسرار حق منزل آیات رحمت مشهد آل عباست کوری چشم مخالف من حسینی مذهبم راه حق این است و نتوانم نهفتن راه راست جوهر آب فرات از خون پاکان گشت لعل وین زمان آن آب خونین هم چنان در چشم ماست یا امام

متقین ما مخلصان طاعتیم یک قبولت صد چو ما را تا ابد برگ و نواست

ابن حسام خوسفی

دلم شکسته و مجروح و مبتلای حسین طواف کرد شبی گرد کربلای حسین طراز طره مشکین عنبر افشانش خضاب کرد به خون خصم بی وفای حسین قدر چو واقعه کربلا مشاهده کرد ز چشم چشمه خون راند بر قضای حسین نشسته بر سر خاکستر آفتاب مقیم کبود پوش به سوگ از پی عزای حسین جمال روشن خورشید را غبار گرفت که در غبار نهان شد مه لقای حسین سحاب قطره باران حسین سر بخشید عطای ابر کجا و کجا عطای حسین خموش ابن حسام این سخن نه لایق توست ستایش تو کجا و کجا ثنای حسین کز آفتاب قیامت مرا پناهی ده به زیر سایه دامن کش لوای حسین

صائب تبریزی

وی یکی از بزرگ ترین شعرا واستاد «سبک هندی می باشد. مهارت عمده وی در غزل و تک بیت هایش است سخنش استوار و پرمعنا و مشحون از مضمون های دقیق و افکار و تمثیلات لطیف و دلکش است در ذیل قطعه ای از وی راجع به امام حسین ع) را با هم می خوانیم مظهر انوارِ بانی حسین بن علی آن که خاک آستانش دردمندان را شفاست ابر رحمت سایبان قبه پر نور او روضه اش را از پر وبال ملائک بوریاست دست خالی بر نمی گردد دعا از روضه اش سائلان را آستانش کعبه حاجت رواست با لب خشک از جهان تا رفت آن سلطان دین آب را خاک مذلّت در دهان زین ماجراست چند روزی بود اگر مهر سلیمان معتبر تا قیامت سجدگاه خلق مهر کربلاست آن که می شد پیکرش از بوی گل نیلوفری چاک چاک امروز، مانند گل از تیغ جفاست چرخ از انجم در عزایش دامن پر اشک شد تا به دامان جزا،گرابر خون گرید رواست مدحش از ما عاجزان صائب بود ترک ادب

آن که ممدوح خدا و مصطفا و مرتضاست

ملک الشعرای بهار

استاد محمد تقی بهار از بزرگ ترین شعرای تاریخ معاصر کشور ماست ایشان باقدرت بیان فوق العاده ای که داشتند. در اندک زمانی توانستند در عرصه شعر و ادب از نام آوران و مشاهیر بلامنازع این آب و خاک گردند. از ایشان در تمامی قالب های شعر آثار زیبایی به یادگار ماند، ولی آنچه از برجستگی بیشتری در میان آثار ایشان به چشم می خورد، قصاید بسیار زیبا و نغز ایشان است که با آثار قصیده سرایان بزرگی چون خاقانی ابن یمین انوری و....برابری می کند. وی مدت ها ملک الشعرای آستان مقدس رضوی بود. از آثار برجسته ایشان می توان به کتاب های بسیار ارزشمند «سبک شناسی در دو مجلد اشاره کرد. در ذیل به چند بیت از ایشان در زمینه کربلا و امام حسین ع)مروری گذرا خواهیم داشت ای فلک آل علی را از وطن آواره کردی زان سپس در کربلاشان بردی و بی چاره کردی تاختی از وادی ایمن غزالان حرم را پس اسیر پنجه گرگان آدم خواره کردی گوشوار عرش رحمان را بریدی سر، پس آنگه دخترانش را زکین بی گوشوار و پاره کردی کودکی دیده صغیره اندر میان گاهواره چون نکردی شرم و از کین قصد آن گهواره کردی سوختی از آتش کین خانه آل علی را و یستادی بر سر آن آتش و نظّاره کردی

ادیب السلطنه

حسین سمیعی معروف به ادیب السلطنه و متخلص به «عطا» از شعرای نام آور معاصر بود که مدت ها انجمن ادبی تهران را اداره می کرد. وی به سال ۱۳۳۲ شمسی وفات یافت مرثیه بسیار زیبایی که در ذیل می آید از مرآثی بسیار جانسوز قیام عاشوراست کای ظلالت پشگان فرزند پیغمبر منم قره العین بتول و زاده حیدر منم گوشوار عرش

یزدان قوت قلب علی آن که دایم بود در آغوش پیغمبر منم دین منم ایمان منم دنیا منم عقبی منم معنی قرآن منم بگزیده داور منم معنی طه منم و التین و الزیتون منم سدره طوبی منم جنت منم کوثر منم آن که پیش آستانش بهر تعظیم جلال روز تا شب گشته پشت آسمان چنبر منم روز محشر چون کنید آخر که خصمی می کنید با من مظلوم چون خود شافع محشر منم خلق را چون آورند آن روز از بهر حساب دوست را آنجا جزا و خصم را کیفر منم

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹